

## رابطه ابعاد دلبستگی و الگوهای ارتباطی زوجین با رفتارهای هنگام بازی کودکان پیش دبستانی

### The Relationship Between Attachment Dimensions and Communication Patterns of Couples with Play Behaviors in Preschool Children

*M. Rahimi, Ph.D.*

Department of Educational Sciences, Yazd University, Yazd, Iran

*Y. Mavandadi, M. A.*

Department of Educational Sciences, Yazd University, Yazd, Iran

*M. Zare, Ph.D.*

Department of Educational Sciences, Yazd University, Yazd, Iran

✉ دکتر مهدی رحیمی

دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه یزد

یاسمن ماوندادی

دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه یزد

دکتر مریم زارع

دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه یزد

دریافت مقاله: ۹۶/۱۱/۱۱

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۷/۷/۲۰

پذیرش مقاله: ۹۷/۷/۲۰

#### Abstract

The aim of this study was to investigate the relationship between attachment dimensions and communication patterns of couples with their preschool children's play behaviors. This study was correlational and 360 children (198 boys and 162 girls) studying in Yazd preschool centers in 1395-96 academic year were participated. They were randomly selected using multi-stage cluster sampling method. To measure the research variables, the Preschool Play Behavior Scale (PPBS), Kinship Center Attachment Questionnaire (KCAQ) and Communication Patterns Questionnaire

#### چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه میان ابعاد دلبستگی و الگوهای ارتباطی والدین کودکان پیش دبستانی با رفتارهای هنگام بازی این کودکان بود. این پژوهش از نوع توصیفی (همبستگی) بود که ۳۶۰ کودک (۱۹۸ پسر و ۱۶۲ دختر) ۴-۶ سال مشغول در مراکز پیش دبستانی شهر یزد در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ در آن شرکت داشتند و با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شدند. برای اندازه گیری متغیرهای پژوهش از مقیاس رفتار بازی کودکان پیش دبستانی (PPBS)، پرسشنامه دلبستگی (KCAQ) و پرسشنامه الگوهای ارتباطی زوجین - فرم کوتاه شده (CPQ-SF) استفاده شد.

✉ Corresponding author: Department of educational sciences, faculty of psychology and education, University of Yazd, Yazd, Iran.  
E-mail: [mehdirahimi@yazd.ac.ir](mailto:mehdirahimi@yazd.ac.ir)

✉ نویسنده مسئول: یزد، دانشگاه یزد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، بخش علوم تربیتی  
پست الکترونیکی: [mehdirahimi@yazd.ac.ir](mailto:mehdirahimi@yazd.ac.ir)

-Short Form (CPQ-SF) were used. The results of stepwise regression analysis showed that attachment dimensions and communication patterns of couples in some cases could predict children's play behaviors. Positive adaptive evolutionary behaviors predicted the social play positively and predicted reticent behaviors negatively. Negative behaviors also predicted the rough play and passive solitary behaviors in a positive direction. The dimension of distancing from attachment figure support also predicted reticent behaviors positively. The patterns of man demand/woman withdraw predicted passive solitary behaviors positively. For active solitary behaviors, no significant relationship with other variables was found.

**Keywords:** Play Behaviors, Attachment Dimensions, Communication Patterns of Couples, Preschool Child.

نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نیز نشان داد، ابعاد دلبستگی و الگوهای ارتباطی زوجین در مواردی قادر به پیش‌بینی رفتارهای بازی کودکان هستند. رفتارهای تکاملی انطباقی مثبت، بازی اجتماعی را به طور مثبت و رفتارهای کم‌گویی را به طور منفی پیش‌بینی می‌کنند. رفتارهای منفی نیز قادر به پیش‌بینی بازی خشن و رفتارهای گوشه‌گیری منفعل در جهت مثبت در کودکان بودند. هم‌چنین بعد دوری‌گزینی از حمایت نگاره دلبستگی/ فرد مراقب، رفتارهای کم‌گویی را در جهت مثبت پیش‌بینی می‌کند. الگوی ارتباطی مرد متوقع/ زن کناره‌گیر به صورت مثبت رفتار گوشه‌گیری منفعل را پیش‌بینی نمود. برای رفتارهای گوشه‌گیری فعال ارتباط معناداری با سایر متغیرها یافت نشد.

**کلیدواژه‌ها:** رفتارهای هنگام بازی، ابعاد دلبستگی، الگوهای ارتباطی زوجین، کودک پیش‌دبستانی.

## مقدمه

در زندگی انسان کودکی جایگاه خاصی دارد و بازی یکی از مهم‌ترین فعالیت‌ها در زندگی هر کودکی است (عسکری‌زاده<sup>۱</sup>، ۱۳۹۳). خودافشاگری کودکان و راه یافتن به دنیای عاطفی آنان مستلزم برچیدن توجه از دنیای واقعی و بیان کلامی آن‌ها و توجه به بازی و فعالیت در کودکان است که ابزار طبیعی ارتباط در آنان تلقی می‌شود (لندرث<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲). به عبارتی بازی از مناسب‌ترین فعالیت‌هایی است که در آن می‌توان رفتارهای کودکان را به خوبی بررسی کرد (خوشبخت<sup>۳</sup>، ۱۳۹۰)؛ بنابراین توجه به بازی کودکان و رفتار آنان در هنگام بازی به خوبی می‌تواند ما را از دنیای درون آن‌ها آگاه کند، بی‌آنکه پای کلام در میان باشد. بازی مرحله کلیدی از رشد کودک است که ناتوانی در انجام آن می‌تواند نشانه‌هایی از تأخیر در رشد اجتماعی و شناختی را نشان دهد (اکانر و استگنیتی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱).

کاپلان و رابین<sup>۵</sup> (۱۹۹۸) انواع رفتارهای کودکان در بازی را به دو طبقه از رفتارهای بازی اجتماعی<sup>۶</sup> و بازی خشن<sup>۷</sup> و سه طبقه از رفتارهای غیراجتماعی<sup>۸</sup> شامل رفتارهای کم‌گویی<sup>۹</sup>، گوشه‌گیری منفعل<sup>۱۰</sup> و گوشه‌گیری فعال<sup>۱۱</sup> دسته‌بندی کردند. بازی اجتماعی به صورت دو نفره یا در گروه‌های بزرگ‌تر انجام می‌شود که در آن طرفین درگیر فعالیت بازی‌گونه باشند، انگیزه‌های هیجانی ایجاد شود، توانایی ورود به تعامل با دیگر کودکان را داشته باشد و انواع پیشنهادات اجتماعی پذیرفته شود (کاپلان و همکاران، ۱۹۹۸). بازی خشن، نوعی از بازی است که کودک در آن به تناوب مشغول بازی‌های جنگ و گریز با کودکان دیگر می‌شود و

بیشتر بازی‌ها در آن محتوای مبارزه‌ای دارند (کاپلان و همکاران، ۱۹۹۸). زمانی که کودکی بدون آنکه با همسالان خود بازی کند فقط به مدت طولانی آن‌ها را تماشا می‌کند دارای رفتارهای کم‌گویی است (کاپلان، رابین، فاکس و کالکینز و استوارت<sup>۱۲</sup>، ۱۹۹۴). رفتارهای گوشه‌گیری منفعل شامل رفتارهایی است که در آن کودک به تنهایی اشیا و فعالیت‌های ساختنی را بررسی می‌کند (کاپلان و همکاران، ۱۹۹۴). گوشه‌گیری فعال به فعالیت‌های حسی - حرکتی تکراری با یا بدون اشیاء گفته می‌شود که توأم با گوشه‌گیری نمایشی (البته وقتی گروه حضور دارد) و رفتارهای تکانشی است و با فقدان پذیرش کودک از طرف همسالان و داشتن مشکلات بیرونی از جمله پرخاشگری در سال‌های پیش از دبستان همراه است (رابین و میلز<sup>۱۳</sup>، ۱۹۹۰).

خانواده نخستین نهاد اجتماعی پیرامون کودکان است که می‌تواند بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی آنان (از جمله رفتارهای هنگام بازی) را تحت تأثیر قرار دهد. کودک نخستین پیوند عاطفی خود را با افراد آشنا و خاص هم‌چون والدین در زندگی خود برقرار می‌سازد (برک<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۷). دلبستگی<sup>۱۵</sup>، پیوندی است که در سال‌های نخست زندگی و در بستر خانواده ایجاد می‌شود. دلبستگی پیش‌بینی‌کننده کیفیت رفتارهای اجتماعی کودکان در سال‌های پیش از دبستان است (هیوز<sup>۱۶</sup>، ۱۹۹۹).

دلبستگی در دوره سنی میانی<sup>۱۷</sup> کودکان (۳ تا ۱۲ سال) نقش مهمی در سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی کودکان ایفا می‌کند (سلیمانی<sup>۱۸</sup> و همکاران، ۱۳۹۳). هالپرن و کاپنبرگ<sup>۱۹</sup> (۲۰۰۶) دلبستگی کودکان در دوره میانی را مطرح می‌کنند و برای آن چهار بعد را در نظر می‌گیرند: تکامل انطباقی مثبت<sup>۲۰</sup>، رفتارهای منفی<sup>۲۱</sup>، واکنش‌های هیجانی<sup>۲۲</sup> و دوری‌گزینی از حمایت نگاره دلبستگی/ فرد مراقب<sup>۲۳</sup>. تکامل انطباقی مثبت با رفتارهایی چون راحت بودن کودک با دیگران، مهربانی با حیوانات، درس گرفتن از اشتباهات و عدم تکرار آن‌ها و درک کردن و صحبت کردن مطابق با رده سنی خودش، شناخته می‌شوند. واکنش هیجانی، همراه با ناله و زاری زیاد کودک، آشفتگی کودک در صورت نرسیدن به هدف و وابستگی بیش از حد به نگاره دلبستگی نشان داده می‌شود. رفتارهای منفی شامل تخریب اشیاء و وسایل متعلق به خودش و دیگران، سرقت و علاقه به خوراکی‌های غیرمعمول و ... می‌شود. در نهایت دوری‌گزینی از حمایت نگاره دلبستگی/ فرد مراقب، با رفتارهایی چون گرایش کودک به غریبه‌ها، دوری‌گزیدن از دیگران به هنگام آسیب دیدن، عدم بیان درد و رنج و دید منفی نسبت به مراقب اصلی شناسایی می‌شود.

از نتایج پژوهش‌های متعدد می‌توان دریافت که دلبستگی پیش‌بینی‌کننده بسیاری از رفتارهای اجتماعی است و از آنجا که بازی یکی از مهم‌ترین رفتارهای اجتماعی برای هر کودکی است، می‌توان تأثیرپذیری آن از کیفیت و ابعاد دلبستگی را استنباط نمود. برای مثال، سون<sup>۲۴</sup> (۲۰۱۰) به این نتیجه رسید که وجود دلبستگی ایمن به طور منفی در ارتباط با رفتار پرخاشگرانه و به طور مثبت در ارتباط با سازگاری در مدرسه و رفتارهای مثبت اجتماعی در سال‌های پیش‌دبستانی و اول دبستان است. نانس، فاراگو، ویرا و رابین<sup>۲۵</sup> (۲۰۱۳)، دلبستگی ضعیف را در ارتباط با پرخاشگری، رفتارهای ضداجتماعی، کناره‌گیری اجتماعی و گرایش به اضطراب و افسردگی در کودکان می‌دانند. هم‌چنین چن و سانتو<sup>۲۶</sup> (۲۰۱۶)، در پژوهش خود سبک دلبستگی ایمن و نایمن دوسوگرا را به ترتیب در ارتباط منفی و مثبت معنادار با میزان خجالت‌گزارش شده توسط کودک و همسالانش می‌دانند. سبک دلبستگی اجتنابی نیز در ارتباط مثبت با عدم علاقه به اجتماع است در حالی که سبک دلبستگی دوسوگرا در ارتباط منفی با عدم علاقه به اجتماع است. نتایج پژوهش ال - شیخ و المور -

استاتون<sup>۲۷</sup> (۲۰۰۴)، بر روی ۱۰۳ کودک ۱۱ ساله نیز نشان داد درگیری زوجین با تأثیر بر روی دلبستگی والد - کودک مشکلات برون‌سازی و درونی‌سازی شده کودکان را پیش‌بینی می‌کند. امانی، اعتمادی، فاتحی زاده و بهرامی<sup>۲۸</sup> (۱۳۹۱)، نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که رابطه مثبت معناداری میان سبک دلبستگی ایمن و سازگاری و رابطه منفی معنادار بین سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرا و سازگاری وجود دارد. از این رو می‌توان انتظار داشت، کیفیت دلبستگی کودک با والدین، بتواند در تبیین نوع رفتارهای هنگام بازی کودک نقش ایفا کند و بررسی این ارتباط را می‌توان از نوآوری‌های پژوهش حاضر برشمرد.

خانواده سالم که در آن افراد خانواده از جمله والدین کودک میزان اضطراب، افسردگی، استرس و پرخاشگری پایینی داشته باشند، کودکان خود را نیز در آن جهت هدایت می‌کنند (خوشبخت، ۱۳۹۰)؛ بنابراین نحوه برخورد والدین کودک با یکدیگر و به عبارتی الگوی ارتباطی<sup>۲۹</sup> آنان بر روی کودکان بی‌تأثیر نیست. کودکان زمانی که الگوی ارتباطی والدین خود را می‌بینند از آن‌ها تقلید و الگوبرداری می‌کنند (بیان‌فر، ۱۳۹۱)؛<sup>۳۰</sup> بنابراین هنگامی که در ارتباط والدین سرزنش، انتقاد، پرخاشگری، بی‌توجهی، تحقیر و توهین و ... وجود داشته باشد، این مشکلات بر روی روابط و رفتار فرزندان آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

ارتباطات نامناسب والدین فرصت مناسب برای شکل‌گیری دلبستگی را از کودک می‌گیرد و زندگی زناشویی نابسامان کیفیت دلبستگی را تضعیف می‌کند (شعیبی، ۱۳۹۴)<sup>۳۱</sup>.

ارتباطات زوجین در طول تعارضات زناشویی برای زوجین و فرزندان آن‌ها بسیار بااهمیت است. کریستنسن و سالووی<sup>۳۲</sup> (۱۹۸۴)، به نقل از عبادت‌پور<sup>۳۳</sup> (۱۳۷۹) رفتارهای زوجین را در طول سه مرحله از تعارض زناشویی برآورد می‌کنند؛ این مراحل عبارت‌اند از: ۱. هنگامی که مشکلی در رابطه زوجین ایجاد می‌شود. ۲. در طول بحث پیرامون مشکل ارتباطی و ۳. بعد از بحث راجع به مشکل ارتباطی. این رفتارها در سه مقیاس ارتباط سازنده متقابل<sup>۳۴</sup>، مقیاس ارتباط اجتنابی متقابل<sup>۳۵</sup> و مقیاس ارتباط توقع/کناره‌گیری<sup>۳۶</sup> دسته‌بندی می‌شوند. ارتباط توقع/کناره‌گیری خود از دو بخش مرد متوقع/ زن کناره‌گیر و زن متوقع/ مرد کناره‌گیر تشکیل می‌شود.

فوتریس، کمپبل، نیلسن و برول<sup>۳۷</sup> (۲۰۱۰)، بر همین مبنای، در نسخه کوتاه شده پرسشنامه الگوهای ارتباطی زوجین سه نوع از تعاملات را در میان زوجین بررسی کردند. تعاملات سازنده، انتقاد/دفاع و توقع/کناره‌گیری از جمله این ارتباطات هستند. در ارتباط تعاملات سازنده زوجین در رابطه با مشکل ارتباطی‌شان بحث و گفتگو می‌کنند و به دنبال سازش و توافق دوطرفه‌اند. در ارتباط توقع/کناره‌گیری یکی از زوجین مدام در حال گله و شکایت کردن است، توقع و انتظار بیش از حد دارد در حالی که طرف مقابل سکوت می‌کند و وارد بحث نمی‌شود. در ارتباط انتقاد/دفاع، انتقاد و غر زدن از سوی یکی از زوجین و حالت تدافعی گرفتن از سوی زوج دیگر مشاهده می‌شود (فوتریس و همکاران، ۲۰۱۰).

پژوهش‌ها حاکی از آن است که وقتی هریک از والدین دچار مشکل زناشویی و یا دشواری ارتباط با همسر خود باشد، در برآوردن نیازهای فرزندان خود ناتوان خواهد بود و این مشکلات زناشویی و ارتباطی میان والدین کودک موجب مشکلات سازگاری متعدد در کودکان و نوجوانان می‌شود (بیان‌فر، ۱۳۹۱). دارویش، اسکویبول، هتزر و آفونسو<sup>۳۸</sup> (۲۰۰۰) در همین راستا در پژوهش خود نشان دادند کودکانی که با آن‌ها بدرفتاری شده به طور معناداری مهارت کمتری در نخستین تعاملاتشان با همسالان دارند و مشکلات رفتاری

بیشتری نشان می‌دهند. در ایران نیز ظفر رزاق‌نیا<sup>۳۹</sup> (۱۳۸۹)، در پژوهش خود در خصوص ارتباط والدین و فرزند که خود منتج از روابط والدین با یکدیگر است، به این نتیجه دست یافت که بین مهارت‌های اجتماعی کودکان بر اساس سه سبک مختلف فرزندپروری پدر تفاوت معناداری وجود دارد. کودکان سبک قاطع رفتارهای بازی بیشتر و کودکان سبک سهل‌گیر رفتارهای بی‌بازی بیشتری داشتند. خوشبخت (۱۳۹۰)، نیز با مطالعه در بازی کودکان ۶-۳ سال شهر شیراز باورهای ترقی‌خواهانه والدین را در ارتباط مستقیم با رفتارهای گوشه‌گیری فعال، بازی اجتماعی و بازی خشن و باورهای مستبدانه والدین را در ارتباط مستقیم با رفتار کم‌گویی در این کودکان می‌داند.

مبتنی بر یافته‌های پژوهش‌های پیشین میان عوامل و متغیرهای خانوادگی و رفتارهای اجتماعی کودکان ارتباط وجود دارد. بازی یکی از مهم‌ترین رفتارهای اجتماعی و زبان بسیاری از کودکان است که از طریق آن عواطف و احساساتشان را نشان می‌دهند. وقتی کودکان تجربیاتی دارند که زیان‌بخش و دردآور هستند، یا درک آن‌ها سخت است، تجربیاتشان را بارها از طریق بازی مرور می‌کنند. کودکان از طریق بازی می‌آموزند چگونه احساساتشان را تخلیه و بیان کنند.

لذا از آنجا که در کنار متغیرهای کم‌تغییر و تأثیرگذار هم‌چون ژنتیک، ویژگی‌های شخصیت و ... شناخت متغیرهای قابل تغییر و مداخله، از مهم‌ترین دستاوردهای روان‌شناختی است؛ مطالعه حاضر به دنبال آن است که نقش متغیرهای خانوادگی از جمله دلبستگی و الگوهای ارتباطی والدین را بر روی یکی از مهم‌ترین جنبه‌های زندگی کودکان یعنی بازی مورد بررسی قرار دهد تا در صورت مشاهده اندازه اثر، بتوان از طریق مداخلات خانوادگی، کودکان را به سمت بازی سازنده از جمله بازی اجتماعی سوق داد که خود پیش‌بینی‌کننده سازگاری‌های اجتماعی و تحصیلی در آینده هر کودکی است (سون، ۲۰۱۰). در نهایت این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤال است: کدام یک از ابعاد دلبستگی و الگوهای ارتباطی میان والدین کودکان پیش‌دبستانی می‌تواند ابعاد رفتارهای اجتماعی و غیراجتماعی آنان در هنگام بازی را پیش‌بینی نماید؟

## روش پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر را تمامی کودکان دوره اول و دوم پیش‌دبستانی‌های شهر یزد در سال ۹۶-۱۳۹۵ تشکیل می‌دهند که تعداد آن‌ها ۱۰۶۶۶ نفر است. حجم نمونه پژوهش حاضر با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شد که برای جامعه پژوهش حاضر ۳۷۰ نفر نمونه را پیشنهاد می‌دهد و در نهایت ۳۶۰ نفر از کودکان دوره اول و دوم پیش‌دبستانی‌های شهر یزد را تشکیل داد که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. بدین‌گونه که ابتدا از میان مراکز پیش‌دبستانی نواحی یک و دو که مجموعاً ۲۴۸ عدد بودند، تعداد ۱۰ پیش‌دبستانی به تصادف انتخاب شد و سپس در هر مرکز ۳ کلاس انتخاب شد. در نهایت ۱۹۸ پسر و ۱۶۲ دختر گروه نمونه را تشکیل دادند که ۹/۴۱ درصد پایه اول و ۵۸/۱ درصد پایه دوم بودند. ۴۰/۶ درصد از کودکان از ناحیه یک و ۵۹/۴ درصد آن‌ها نیز از ناحیه دو بودند. بیشتر مادران و پدران، تحصیلات دیپلم داشتند. ۲۷/۵ درصد از حجم نمونه تک‌فرزند بودند. ۵۳/۱ درصد از آن‌ها یک خواهر یا برادر داشتند. دیگر درصدها برای ۲، ۳، ۴ و ۵ خواهر و برادر به

ترتیب ۱/۴، ۳/۹، ۱/۱ و ۰/۳ درصد بودند. در گروه نمونه پژوهش حاضر ۹۳/۱ درصد از کودکان مسلمان و ۹/۶ درصد از آن‌ها زرتشتی بودند. در پژوهش حاضر از سه پرسشنامه استفاده شد.

**مقیاس رفتار بازی کودکان پیش‌دبستانی (PPBS)** (کاپلان و رابین، ۱۹۹۸): برای اندازه‌گیری رفتار کودکان در بازی از این مقیاس استفاده شد. این ابزار شامل ۱۸ گویه است و ۵ بعد رفتارهای کم‌گویی، گوشه‌گیری منفعل، گوشه‌گیری فعال، بازی اجتماعی و رفتارهای خشن را اندازه‌گیری می‌کند. این ابعاد به ترتیب دارای ۴، ۴، ۲، ۵ و ۳ گویه هستند. گویه‌های این مقیاس به صورت مدرج پنج نمره‌ای از هرگز (نمره ۰) تا اغلب اوقات (نمره ۴) نمره‌گذاری می‌شود. کاپلان و رابین (۱۹۹۸) پایایی این مقیاس را به شیوه توافق بین کدگذاران محاسبه کردند که میزان کاپای کوهن معادل ۰/۸۳ به دست آمد. هم‌چنین تحلیل عاملی ۵ عامل را نشان داد که تحت عناوین یادشده نام‌گذاری شدند. میزان آلفای کرونباخ برای ابعاد مذکور از ۰/۷۶ تا ۰/۹۶ به دست آمد. هم‌چنین گروهی از کودکان نمونه توسط دو معلم ارزیابی شدند. ضریب توافق ارزیاب‌ها برای بعد رفتارهای کم‌گویی، بازی اجتماعی و بازی خشن بین ۰/۵۴ تا ۰/۸۹ بود. در عامل گوشه‌گیری منفعل ضرایب بین ۰/۳۲ تا ۰/۷۹ به دست آمد و برای عامل گوشه‌گیری فعال ۰/۰۱ تا ۰/۸۳ به دست آمد. با توجه به اینکه نسخه ۵ بعدی این پرسشنامه برای نخستین بار در ایران، در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار می‌گیرد، بنابراین برای استخراج عوامل از تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی استفاده شد. ملاک استخراج عوامل ارزش ویژه بالاتر از ۰/۷ بر اساس ملاک جولیف<sup>۴۰</sup> (فیلد<sup>۴۱</sup>، ۲۰۱۳) و شیب نمودار اسکری بود. مقدار  $Kmo=0/84$  و آزمون کرویت بارلت ۲۴۰۸/۱۲ ( $P<0/001$ ) بود. نتایج بیانگر تشکیل ۵ بعد بود که ۶۴/۷۸ درصد از واریانس ابزار را تبیین می‌کند. سؤال ۱۰ به دلیل قرار گرفتن در بیش از یک عامل از سؤال‌ها حذف شد. هم‌چنین در پژوهش حاضر پایایی به دست آمده برای این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای ابعاد بازی اجتماعی، بازی خشن، رفتار کم‌گویی، رفتار گوشه‌گیری منفعل و رفتار گوشه‌گیری فعال به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۶۴، ۰/۷۵، ۰/۷۶ و ۰/۵۷ بود.

**پرسشنامه روابط میان‌دلبستگی (KCAQ)** (هالپرن و کاپنبرگ، ۲۰۰۶): این پرسشنامه توسط هالپرن و کاپنبرگ (۲۰۰۶) جهت سنجش دلبستگی کودکان در دوره میانه کودکی (قبل از دبستان و دبستان ۱۲-۳ سال) طراحی شده که توسط مادر تکمیل می‌شود. این پرسشنامه شامل ۲۰ گویه است. برای نمره‌گذاری هر گویه درجه‌ای بین ۱ تا ۵ (هرگز تا همیشه) به هر آزمودنی تعلق می‌گیرد. این پرسشنامه دارای چهار مؤلفه است که تکامل انطباقی مثبت با ۶ گویه، رفتارهای منفی با ۶ گویه، واکنش هیجانی با ۴ گویه و دوری‌گزیدن از حمایت نگاره دلبستگی/فرد مراقب با ۴ گویه را شامل می‌شود. روایی و پایایی این پرسشنامه در ایران توسط سلیمانی و همکاران (۱۳۹۳) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحلیل عاملی برای مؤلفه‌های ذکر شده به ترتیب بار عاملی بین ۰/۵۶ تا ۰/۶۸، ۰/۴۷ تا ۰/۶۰، ۰/۴۱ تا ۰/۶۹ و ۰/۵۸ تا ۰/۶۵ بود. در پژوهش حاضر پایایی این مقیاس به شیوه بازآزمایی محاسبه شد. بدین صورت که نمونه‌ای ۳۰ نفره این مقیاس را دو مرتبه با فاصله زمانی دو هفته‌ای تکمیل نمودند. نتایج همبستگی پیرسون برای ابعاد تکامل انطباقی مثبت، رفتارهای منفی، واکنش‌های هیجانی و دوری‌گزینی از حمایت نگاره دلبستگی/فرد مراقب در سطح ۰/۰۰۱ معنادار بود که میزان آن برای ابعاد مذکور به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۶۶، ۰/۶۲ و ۰/۴۶ به دست آمد.

**پرسشنامه الگوهای ارتباطی زوجین** (کریستنسن و سالوی، ۱۹۸۴) - فرم کوتاه شده (SF-CPQ): این پرسشنامه که برگرفته از پرسشنامه الگوهای ارتباطی زوجین (CPQ) است، یک ابزار خودسنجی دارای ۱۱ گویه است که به منظور برآورد ارتباط زناشویی طراحی شده است. نسخه کامل پرسشنامه ۳۵ گویه‌ای است که رفتارهای زوج‌ها را در طی سه مرحله از تعارض زناشویی مشخص می‌کند. مطالعه‌ای در سال ۲۰۱۰ توسط فوتریس و همکاران، به‌منظور سنجش اعتبار نسخه‌های متفاوت از پرسشنامه کوتاه شده الگوهای ارتباطی انجام شد. بررسی‌ها با استفاده از ۵ مدل پیشنهادی انجام شد. دو مدل اول دو خرده‌مقیاس توقع/کناره‌گیری و تعامل سازنده و سه مدل دیگر سه خرده‌مقیاس توقع/کناره‌گیری، تعامل سازنده و ارتباط انتقاد/دفاع را بررسی کردند. نتایج نشان داد توافق درونی سه گویه اضافه شده در خرده‌مقیاس انتقاد/دفاع برابر با آلفای ۰/۸۳ و برای توقع/کناره‌گیری و تعاملات سازنده به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۶۱ گزارش شد، همچنین روایی همگرا با پرسشنامه کوتاه شده رضایت زناشویی RDAS بررسی شد و از ۰/۳۹۷ تا ۰/۴۵۱ گزارش شد. با توجه به اینکه این پرسشنامه ۱۱ آیتمی برای نخستین بار در ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد به منظور استخراج عوامل از تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی استفاده می‌شود. ملاک استخراج عوامل ارزش ویژه بالاتر از ۰/۷ بر اساس ملاک جولیف (فیلد، ۲۰۱۳) و شیب نمودار اسکری بود. مقدار  $Kmo=0.74$  و آزمون کرویت بارتلت  $849/13$  ( $P<0.001$ ) بود. نتایج بیانگر تشکیل ۴ بعد بود که ۶۹/۴۷ درصد از واریانس ابزار را تبیین می‌کند. سؤال ۱ در هیچ‌کدام از عوامل بار عاملی مطلوبی نداشت؛ بنابراین با حذف سؤال ۱ و اختصاص ۴ بعد، در نهایت گویه‌های ۲، ۵ و ۷ تعاملات سازنده، گویه‌های ۶، ۱۰ و ۱۱، انتقاد/دفاع، گویه‌های ۳ و ۸، زن متوقع/مرد کناره‌گیر و گویه‌های ۴ و ۹، مرد متوقع/زن کناره‌گیر را می‌سنجند. همچنین در پژوهش حاضر پایایی به دست آمده برای این پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای الگوهای انتقاد/دفاع، تعاملات سازنده، مرد متوقع/زن کناره‌گیر و زن متوقع/مرد کناره‌گیر به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۶۵، ۰/۶۶ و ۰/۶۳ بود.

### یافته‌های پژوهش

اطلاعات توصیفی هر یک از ابعاد متغیرهای موجود در پژوهش در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱: داده‌های توصیفی متغیرهای رفتارهای هنگام بازی، ابعاد دلبستگی

#### و الگوهای ارتباطی زوجین

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد گویه‌ها	ابعاد متغیر	
۳/۳۳	۸/۸۲	۴	رفتار کم‌گویبی	رفتارهای هنگام بازی
۳/۱۶	۱۲/۵۸	۴	گوشه‌گیری منفعل	
۱/۵۸	۴/۹۷	۲	گوشه‌گیری فعال	
۴/۲	۱۷/۲۵	۵	بازی اجتماعی	
۲/۱۷	۶/۱۴	۲	بازی خشن	
۳/۱۳	۲۴/۰۸	۶	تکامل انطباقی مثبت	ابعاد دلبستگی
۲/۵۱	۹/۲۳	۶	رفتارهای منفی	
۳	۱۰/۶۷	۴	واکنش هیجانی	
۲/۱۸	۶/۸۲	۴	دوری‌گزینی	





نتایج در خصوص رفتارهای کم‌گویی گویای این نکته است که دو بعد رفتارهای انطباقی مثبت در جهت منفی و دوری‌گزینی از حمایت نگاره دل‌بستگی/فرد مراقب در جهت مثبت پیش‌بینی‌کننده‌های معناداری برای این رفتارها در بازی کودکان هستند.

جدول ۴: پیش‌بینی رفتار گوشه‌گیری منفعل بر اساس ابعاد دل‌بستگی و الگوهای ارتباطی زوجین

مدل	متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	B	$\beta$	T	P	R	$R^2$	F	P
۱	گوشه‌گیری منفعل	مرد متوقع/زن کناره‌گیر	۰/۰۹۶	۰/۱۲	۲/۳۹	۰/۰۱	۰/۱۲	۰/۰۱	۵/۷۲	۰/۰۱
	گوشه‌گیری منفعل	مرد متوقع/زن کناره‌گیر	۰/۰۰۹	۰/۱۱	۲/۲۵	۰/۰۲				
		رفتارهای منفی	۰/۱۳	۰/۱۰	۱/۹۹	۰/۰۴	۰/۱۶	۰/۰۲	۴/۸۶	۰/۰۰

نتایج در رابطه با رفتارهای گوشه‌گیری منفعل نیز نشان داد که رفتارهای منفی در ابعاد دل‌بستگی و مرد متوقع/زن کناره‌گیر از الگوهای ارتباطی زوجین، پیش‌بینی‌کننده هستند و هر دو رفتارهای گوشه‌گیری منفعل را در جهت مثبت پیش‌بینی می‌کنند.

جدول ۵: پیش‌بینی بازی اجتماعی بر اساس ابعاد دل‌بستگی و الگوهای ارتباطی زوجین

مدل	متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	B	$\beta$	T	P	R	$R^2$	F	P
۱	بازی اجتماعی	تکامل انطباقی مثبت	۰/۱۸	۰/۱۳	۲/۶۳	۰/۰۰۹	۰/۱۳	۰/۰۱۹	۶/۹۵	۰/۰۰۹

نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد تنها متغیری که پیش‌بینی‌کننده بازی اجتماعی کودکان است، تکامل انطباقی مثبت از ابعاد دل‌بستگی است. این بعد از دل‌بستگی، بازی اجتماعی را در جهت مثبت پیش‌بینی می‌کند.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال بود که کدام‌یک از ابعاد دل‌بستگی و الگوهای ارتباطی والدین می‌تواند رفتارهای هنگام بازی این کودکان را پیش‌بینی نماید؟ نتایج به دست آمده نشان داد بازی اجتماعی در ارتباط مثبت با تکامل انطباقی مثبت است. هم‌چنین رفتارهای منفی می‌توانند به طور مثبت بازی خشن و گوشه‌گیری منفعل را پیش‌بینی نمایند. دوری‌گزینی از حمایت نگاره دل‌بستگی/فرد مراقب نیز به صورت مثبت و تکامل انطباقی مثبت به صورت منفی، رفتارهای کم‌گویی در کودکان را پیش‌بینی می‌کند. هم‌چنین الگوی ارتباطی مرد متوقع/زن کناره‌گیر قادر به پیش‌بینی گوشه‌گیری منفعل در کودکان بود. در تبیین نتایج به دست آمده برای پژوهش حاضر می‌توان گفت کودکانی که از نظر دل‌بستگی در بعد تکامل انطباقی مثبت جای می‌گیرند، کودکانی هستند با دل‌بستگی ایمن که والدینی حساس و پاسخ‌ده دارند. چنین کودکانی به خوبی با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند و دنیا را مکانی امن می‌دانند و اطرافیان‌شان را قابل اطمینان می‌دانند (هالپرن و کاپنبرگ، ۲۰۰۶)، منطقی است چنین کودکانی وارد روابط اجتماعی با افراد دیگر که بازی اجتماعی یکی از آن‌هاست، بشوند و رفتارهای کناره‌گیری از اجتماع را که در کودکان کم‌گو مشاهده می‌شود را از خود نشان ندهند. نتایج پژوهش امانی و همکاران (۱۳۹۱) و اصلانی و همکاران (۱۳۹۱) نیز ارتباط میان دل‌بستگی ایمن و سازگاری اجتماعی را نشان می‌دهند. بنابراین منطقی به نظر می‌رسد که

کودکان با رفتارهای تکاملی انطباقی مثبت به میزان بیشتری به بازی اجتماعی بپردازند و ارتباط منفی رفتارهای کم‌گویی با تکامل انطباقی مثبت نیز با این تفاسیر قابل توجیه است. پژوهش کاپلان و همکاران (۱۹۹۴) و چن و همکاران (۲۰۱۵) نیز در همین راستا نشان می‌دهند که رفتارهای کم‌گویی در ارتباط با خجالت، کناره‌گیری از اجتماع و سرگردانی و اضطراب است که با بعد تکامل انطباقی مثبت در تضاد است.

کودکان که از حمایت نگاره دل‌بستگی دوری می‌کنند اغلب سبک دل‌بستگی اجتنابی در آن‌ها وجود دارد که والدینی طردکننده دارند (هالپرن و کاپنبرگ، ۲۰۰۶). چنین کودکانی دنیا را جای امنی نمی‌دانند، اتکا به خود اجباری دارند و سعی می‌کنند از روابط با دیگران دوری کنند (زارع و رحیمی<sup>۴۲</sup>، ۱۳۹۳)، یعنی آنچه در رفتارهای کم‌گویی کودکان قابل مشاهده است؛ بنابراین ارتباط مثبت میان رفتارهای کم‌گویی در طول بازی و بعد دل‌بستگی دوری‌گزینی از حمایت نگاره دل‌بستگی / فرد مراقب توجیه می‌شود.

رفتارهای منفی در دل‌بستگی در ارتباط با بازی خشن و گوشه‌گیری منفعل بود. کودکان با رفتارهای منفی، کودکانی هستند که رفتارهای آسیب‌زننده و پرخاشگرانه‌ای دارند. آنان اغلب دست به سرقت می‌زنند یا اشیاء متعلق به خودشان و یا دیگران را تخریب می‌کنند و ممکن است چنین کودکانی در معرض شوک عاطفی قرار گرفته باشند (هالپرن و کاپنبرگ، ۲۰۰۶). با توجه به اینکه کودکان در بازی عواطف و احساسات خود را نشان می‌دهند بنابراین بدیهی است که کودکان با رفتارهای منفی حس آسیب‌گری و پرخاشگری خود را در بازی‌هایشان نشان دهند و این باعث می‌شود بازی خشن در این کودکان افزایش یابد. همان‌طور که فلندرز<sup>۴۳</sup> و همکاران (۲۰۱۰) نیز بازی خشن را در ارتباط با پرخاشگری می‌دانند. هم‌چنین عدم توانایی کودکان با رفتارهای منفی در برقراری روابط اجتماعی و عدم برخورداری از مهارت‌های ارتباطی باعث می‌شود از طرف همسالان‌شان طرد شوند و به نوعی گوشه‌گیری اختیار کنند که گوشه‌گیری منفعل یکی از آن‌هاست یا اینکه وقتی وارد روابط با دیگران شوند، پرخاشگرانه رفتار کنند که خود منجر به طرد بیشتر آن‌ها توسط همسالان‌شان می‌شود و گوشه‌گیری در آن‌ها را بیشتر می‌کند. در پژوهش‌هایی از جمله کاپلان، ویچمن و سگوین<sup>۴۴</sup> (۲۰۰۱) رفتارهای گوشه‌گیری منفعل را بدون ارتباط با تکانشگری و در ارتباط منفی با عدم کنترل هیجانی برای دختران می‌دانند اما این رفتار را برای پسران ناسازگارانه و در ارتباط منفی با شایستگی اجتماعی می‌دانند؛ بنابراین بررسی نتایج با توجه به جنسیت نیز در این خصوص حائز اهمیت خواهد بود. پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۵) در خصوص گوشه‌گیری منفعل همسو با نتایج این پژوهش بود. آن‌ها این رفتارها را در ارتباط مثبت و معنادار با مشکلات برونی‌سازی شده بعدی می‌دانند.

آماتو و چیدل<sup>۴۵</sup> (۲۰۰۸)، بر این باورند که مشاهده درگیری والدین، خودمحوری کودک در دوران پیش‌دبستانی و کاهش کیفیت روابط میان والدین و کودکان از عواملی در روابط زناشویی هستند که کودکان را درگیر می‌سازند و کیفیت زندگی آنان را کاهش می‌دهند. همان‌طور که نتایج پژوهش ال - شیخ و المور - استاتون (۲۰۰۴) نیز نشان داد سطوح بالاتر درگیری زوجین در ارتباط با افزایش درگیری والد - کودک، کاهش دل‌بستگی ایمن و سطوح بالای مشکلات درونی‌سازی شده و برونی‌سازی شده در کودکان است؛ بنابراین کودکان از عواقب درگیری در ازدواج در امان نیستند. گاتمن (۱۹۹۴)، به نقل از فوتریس و همکاران، (۲۰۱۰)، الگوی ارتباطی توقع / کناره‌گیری را یکی از مخرب‌ترین الگوهای ارتباطی در زوجین می‌داند که در آن از تعامل میان زوجین به مرور کاسته می‌شود و رابطه‌ای سرد و ساکت جای آن را می‌گیرد.

الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیری، نوعی الگوی ارتباطی است که در طی آن یکی از زوج‌ها سعی می‌کند به‌وسیله انتقاد کردن، غر زدن یا پیشنهاد تغییر دادن، دیگری را وارد بحث درباره مشکل نماید. در حالی که دیگری سعی می‌کند بحث را تمام کند و به‌وسیله تغییر دادن موضوع بحث از آن اجتناب کند و ساکت باقی بماند. (کریستنسن، ۱۹۸۸، به نقل از عبادت پور، ۱۳۷۹). بنابر آنچه گفته شد از کودک پرورش‌یافته در خانواده‌ای که پدر و مادر از الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیری استفاده می‌کنند، انتظار نمی‌رود رفتارهای سازگارانه‌ای در اجتماع داشته باشد.

هم‌چنین کودک از طریق مشاهده والدین خود، توجه به آن‌ها و به یاد سپردن رفتارهایشان اقدام به عملی می‌کند که بندورا آن را یادگیری مشاهده‌ای می‌نامد (کریستنسن، ۱۳۹۱). کودک از والدین خود یاد می‌گیرد در برخورد با موانع و مشکلات اجتماعی و تهدیدها کناره‌گیری کند، خود را عقب بکشد و تعاملات خود را با دیگران کاهش دهد. هم‌چنین نقش مهم مادر در تربیت و وقت بیشتری که کودک با او می‌گذراند، الگوبرداری کودک از مادر را بیشتر خواهد کرد، بنابراین کودک از مادر کناره‌گیر خود تقلید می‌کند، در روابط اجتماعی خود را کنار می‌کشد و گاهی از فرط خستگی از سکوت، یورش ناگهانی و پرخاشگرانه به سمت مخاطبانش برمی‌دارد که این خود موجب طرد بیشتر او از جمع همسالان خواهد شد.

هیچ‌یک از ابعاد دلبستگی و الگوهای ارتباطی زوجین قادر به پیش‌بینی رفتارهای گوشه‌گیری فعال در کودکان نبودند. در توجیه این نتیجه می‌توان گفت با توجه به اینکه رفتارهای گوشه‌گیری فعال تنها سه درصد از اوقات بازی کودکان را به خود اختصاص می‌دهد (کاپلان و همکاران، ۲۰۰۱)، بنابراین کودکان با این ویژگی باید شناسایی شوند و به طور جداگانه رفتارهای آن‌ها در ارتباط با سایر متغیرهای مطالعه شود.

این پژوهش با محدودیت‌هایی روبرو بود که از آن جمله می‌توان به عدم همکاری برخی از والدین و مربیان در پر کردن پرسشنامه‌ها، اشاره نمود. هم‌چنین با توجه به آنچه از نتایج پژوهش حاضر به دست آمده است، پیشنهاد می‌شود کودکان با رفتارهای غیراجتماعی در بازی شناسایی شوند و ضمن مطالعه بیشتر بر روی آن‌ها در ارتباط با سایر متغیرها، به والدین آن‌ها برای برقراری ارتباط صحیح با فرزندان‌شان آموزش داده شود. هم‌چنین اختصاص مربیان آگاه و دلسوز در ارتقای سطح رفتارهای مثبت اجتماعی مفید خواهد بود. به‌علاوه پیشنهاد می‌شود سایر عوامل مداخله‌گر مانند جنسیت، طبقه اقتصادی - اجتماعی، فرهنگ و ... در ارتباط با رفتارهای اجتماعی کودکان در پژوهش‌های بعدی در نظر گرفته شود.

#### پی‌نوشت‌ها

1. Askarizade
2. Landreth
3. Khoshtakht
4. O'connor & Stagnitti
5. Coplan & Rubin
6. Social play
7. Rough play
8. Non - social behaviors
9. Reticent behaviors
24. Seven
25. Nunes, Faraco, Vieira & Rubin
26. Chen & Santo
27. El -Sheikh & Elmore - Staton
28. Amani, Etemadi, Fatehizadeh & Bahrami
29. Communication Pattern
30. Bayanfar
31. Shaeibi
32. Christensen & Salavi

- |   |  |
|---|--|
| 10. Passive solitary                          | 33. Ebadat poor                            |
| 11. Active solitary                           | 34. Mutual constructive communication      |
| 12. Fox, Calkins & Stewart                    | 35. Mutual avoidance communication         |
| 13. Rubin & Mills                             | 36. Mutual demand/withdrawal communication |
| 14. Berk                                      | 37. Futris, Campbell, Nielsen & Burwell    |
| 15. Attachment                                | 38. Darwish, Esquivel, Houtz & Alfonso     |
| 16. Hughes                                    | 39. Zafarrazaghniya                        |
| 17. Latency Aged                              | 40. Jolliffe's criterion                   |
| 18. Soleimani                                 | 41. Field                                  |
| 19. Halpern & Kappenberg                      | 42. Zare & Rahimi                          |
| 20. Positive adjustment development           | 43. Flanders                               |
| 21. Negative behavior                         | 44. Coplan, Wichman & Lagace-Seguin        |
| 22. Emotional reactivity                      | 45. Amato & Cheadle                        |
| 23. Distancing from attachment figure support | 46. Crain                                  |

### منابع

- اصلاحی، خ.، صیادی، ع.، و امان الهی، ع. (۱۳۹۱). رابطه بین سبک‌های دلبستگی با کارکرد خانواده و سلامت عمومی. مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۲(۲)، ۱۷۷-۱۶۳.
- امانی، ر.، اعتمادی، ع.، فاتحی زاده، م.، و بهرامی، ف. (۱۳۹۰). رابطه میان سبک‌های دلبستگی و سازگاری اجتماعی. روانشناسی بالینی و شخصیت، ۲(۶)، ۲۶-۱۵.
- برک، ل. (۲۰۰۷). روانشناسی رشد - از لقاح تا کودکی - (جلد اول). ترجمه ی. سیدمحمدی (۱۳۹۰). تهران: نشر ارسباران.
- بیان فر، ف. (۱۳۹۱). لجبازی کودکان: چگونه با کودک لجباز و نافرمان خود رفتار کنیم؟ تهران: دانژه.
- خوشبخت، ف. (۱۳۹۰). رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با رفتارهای غیراجتماعی و اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی در بازی. مطالعات روان‌شناختی، ۷(۴)، ۱۰۶-۸۷.
- خوشبخت، ف. (۱۳۹۰). کفایت روان‌سنجی مقیاس رفتار کودکان پیش‌دبستانی در بازی (نسخه فارسی). روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۱(۳)، ۴۹-۳۵.
- زارع، م.، و رحیمی، م. (۱۳۹۳). دلبستگی دوران بزرگسالی. یزد: تیک.
- سلیمانی، ح.، بشاش، ل.، و لطیفیان، م. (۱۳۹۳). خصوصیات روان‌سنجی پرسشنامه روابط میانی دلبستگی برای دوره سنی میانی کودکی. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۴(۱۶)، ۶۳-۴۱.
- شعبی، ف. (۱۳۹۴). سبک دلبستگی و روابط اجتماعی. تهران: کتاب ارشد.
- ظفرزاق نیا، س. (۱۳۸۹). مقایسه مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای بازی کودکان بر مبنای سبک فرزندپروری والدین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی تربیتی، دانشگاه بیرجند.
- عبادت‌پور، ب. (۱۳۷۹). هنجاریابی پرسشنامه الگوهای ارتباطی زناشویی در شهر تهران در سال ۷۹-۷۸. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره خانواده، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- عسکری زاده، ق. (۱۳۸۹). روان‌شناسی بازی. تهران: امیرکبیر.
- کرین، ویلیام. (۱۳۹۱). نظریه‌های رشد مفاهیم و کاربردها. ترجمه غ. خوبی‌نژاد و ع. رجایی (۱۳۹۱). تهران: رشد.
- لندرث، گ.لی. (۲۰۰۲). بازی‌درمانی: هنر برقراری ارتباط. ترجمه ف. داورپناه (۱۳۹۴). تهران: رشد.
- هیوز، ف. (۱۹۹۹). روان‌شناسی بازی: کودکان، بازی و رشد. ترجمه ک. گنجی (۱۳۹۳). تهران: رشد.

- Amani, R., Etemadi, O., Fatehizadeh, M. & Bahrami, F. (2012). [The relationship between Attachment Styles and Social Adjustment]. *Clinical Psychology and Personality*, 2(6), 15-26 [in Persian].
- Amato, P. R. & Cheadle, J. E. (2008). Parental Divorce, Marital Conflict and Children's Behavior Problems: A Comparison of Adopted and Biological Children. *Social forces*, 86(3), 1139 - 1158.
- Askarizade, Gh. (2011). *Play psychology*. Tehran: Amirkabir [in Persian].
- Aslani, Kh., Sayadi, A. & Amanolahi, A. (2012). [A Study of Relationship between Attachment Styles with Family Function and General Health]. *Family Counseling and Psychotherapy*, 2(2), 163 -177 [in Persian].
- Bayanfar, F. (2013). *Oppositional defiant disorder (ODD)*. Tehran: Danjeh [in Persian].
- Berk, L. (2007). *Development through the Lifespan* (Y. SayedMohammadi, Trans.). Tehran: Arasbaran [in Persian].
- Chen, B. B. & Santo, J. B. (2016). Mother - Child Attachment and Social withdrawal in Urban Chinese Children. *Social behavior and personality*, 44(2), 233 -246.
- Chen, X., Chen, H., Li, D., Wang, L. & Wang, Z. (2015). Early childhood reticent and solitary -passive behaviors and adjustment outcomes in Chinese children. *Journal of Abnormal child psychology*, 43(8), 1467 - 1473.
- Coplan R. J., Wichman, C. & Lagace - Seguin, D. G. (2001). Solitary - Active Play Behavior: A Marker Variable for Maladjustment in the Preschool? *Journal of research in childhood education*, 15(2), 164 -171.
- Coplan, R. J., & Rubin, K. H. (1998). Exploring and assessing nonsocial play in preschool: the development and validation of the preschool play behavior scale. *Social development*, 7(1), 72 -91.
- Coplan, R. J., Rubin, K. H., Fox, N. A., Calkins, S. D. & Stewart, Sh. L. (1994). Being Alone, Playing Alone and Acting Alone: Distinguishing among Reticent and Passive and Active Solitude in Young Children. *Children development*, 65(1), 129 -137.
- Crain, W. C. (2013). *Theories of Development: Concepts and Applications* (GH. Khooyinejad & A. Rajaei, Trans.). Tehran: Roshd [in Persian].
- Darwish, D., Esquivel B. G., Houtz, J. C. & Alfonso V. C. (2000). Play and Social Skills in Maltreated and Non - Maltreated Preschool during Peer Interactions. *Child abuse & neglect*, 25(1), 13 -31.
- Ebadat poor, B. (2001). *Standardization of marital communication patterns questionnaire in Tehran in the year 1378 -79*. Master thesis in family counseling, Tarbiatmoalem University of Tehran [in Persian].
- El-Sheikh, M. & Elmore-Staton, L. (2004). The link between marital conflict and child adjustment: Parent -child conflict and perceived attachments as mediators. *Development and psychopathology*, 16(3), 631 - 648.
- Field, A. (2013). *Discovering statistics using IBM SPSS statistics*. 4<sup>th</sup>Ed. London: Sage publication.
- Flanders, J. L., Siamrd, M., Paquette, D., Parent, S., Vitaro, F., Phil, O., & Seguin, J. R. (2010). Rough and Tumble Play and the Development of Physical Aggression and Emotion Regulation: A five-year follow-up study. *Journal of family violence*, 25(4), 357 - 367.
- Futris, T. G., Campbell, K., Nielsen, R. B. & Burwell, S. R. (2010). The Communication patterns questionnaire-short form: A review and assessment. *The family Journal: counseling and Therapy for couples and families*, 18(3), 275 -287.
- Hughes, F. (1999). *Children, play and development* (K. Ganji, Trans.). Tehran: Roshd [in Persian].

- Kapenberg, E.S. & Halpern, D. F. (2006). Kinship Center Attachment Questionnaire: Development of a Caregiver - Completed Attachment Measure for Latency - Aged for Children. *Educational and psychology measurement*, 66(1), 852-873.
- Khosbakht, F. (2012). [The Relationship between Parental Raring and Social and Non - Social Behavior in Preschool Children Play]. *Psychological Studies*, 7(4), 87 - 106 [in Persian].
- Khoshbakht, F. (2011). [Psychometric Properties of the Preschool Play Behavior Scale (Persian form)]. *Journal of Psychological Models and Methods*, 1(3), 35 -49 [in Persian].
- Landreth, G. L. (2002). *Play therapy: the art of the relationship* (F. Davarpanah, trans.). Tehran: Roshd [in Persian].
- Nunes, A. N., Faraco, M. X., Vieira, M. L. & Rubin, K. H. (2013). Externalizing and Internalizing Problems: Contributions of Attachment and Parental Practices. *Psicologia: Reflexao e Critica*, 26(3), 617 -625.
- O'connor, Ch. & Stagnitti, K. (2011). Play, Behavior, Language and Social Skills: The Comparison of a Play and Non -Play Intervention within a Specialist School Setting. *Research in Developmental Disabilities*, 32(3), 1205 -1211.
- Rubin, K. H. & Mills, S. L. (1990). Maternal Beliefs about Adaptive and Maladaptive Social Behaviors in Normal, Aggressive and withdrawn Preschoolers. *Journal of abnormal child psychology*, 18(4), 419 -435.
- Seven, S. (2010). Attachment and social behaviors in the period of transition from preschool to first grade. *Social behavior and personality*, 38(3), 347 -355.
- Shaeibi, F. (2015). *Attachment Style and Community Relations*. Tehran: KetabArshad [in Persian].
- Soleimani, H., Bashash, L., & Latifiyan, M. (2014). [Psychometric Properties of the Kinship Center Attachment Questionnaire (KCAQ) of Latency - Aged for Children]. *Journal of Psychological Models and Methods*, 4(16), 41 -63 [in Persian].
- Zafarrazaghniya, S. (2011). *Comparison of Social Skills and Children's Play Behavior Based on Parental Raring Style*. Master thesis in educational psychology, Birjand University [in Persian].
- Zare, M. & Rahimi, M. (2015). *Adult Attachment*. Yazd: Tick [in Persian].